

برقراری رابطه مطلوب میان خانواده و مراکز پیش از دبستان

از مدرسه (خانه و خانواده)، تأثیرات بمراتب عمیقتری در زندگی کودک دارد، برای مثال، محیط خانه، جمع خانواده و از همه مهمتر، وجود مادر از جمله این عوامل تأثیر گذار و عمیق می باشند. بنا براین، به منظور برقراری کاملترین محیط برای کودک، ارتباط مادر و خانواده، بایستی مهمترین بخش از تجارب زندگی کودکان در مراکز پیش دبستانی و مهدکودکها محسوب گردد.

صرفنظر از چگونگی دقت و صداقت مسئولین در برقراری محیطی سالم و مناسب برای کودکان خردسال در مدرسه، معلمین مراکز پیش دبستانی و مهدکودکها، هرگز نبایستی این نکته را به غفلت بشارند که اساسی ترین بخش محیط زندگی کودکان خردسال در واقع محیط خارج از مدرسه و محیط مهد کودکها است. (۱)

این حقیقتی آشکار است که محیط خارج



سرزنش قرار دهد و چنین مسئله‌ای حتی ممکن است مادر را بخشم آورده ، ناراضی نماید و در نتیجه به فکر خارج کردن کودک از آن محیط بیفتد که می تواند از نظر اقتصادی ضربه‌ای برای مدرسه محسوب گردد. (البته این مورد بیشتر در مراکز پیش دبستانی و مهدکودکهای خصوصی صادق است). در نتیجه ، چنین مسائلی سبب‌نداخل و مزاحمتها و بروز موانعی در راه ایجاد یک ارتباط خوب و سازنده بین مادر و معلم می گردند .

یک مادر همچنین ، ممکن است نسبت به انتقادات معلم حساسیت بیش از حد نشان دهد . چون بهر حال یک مادر ، کودک خود را در چشم و نظر معلم نوعی انعکاس و تداوم خود می داند . به عبارت بهتر تحقیر و سرزنش و عدم پذیرش کودک از نظر مادر نوعی عدم پذیرش خود او می باشد .

بخصوص در برخورد اول ، بسیاری از مادران ممکن است از برخورد و اظهار عقیده معلم و یا مری در خصوص کودکان بدو حشت بیفتند ، زیرا همه مادران خواستار دانستن این مطلب هستند که آیا مری کودکان را دوست دارد و آیا کودکان کارش را به درستی انجام می دهد و بد اصطلاح از وضعیت خوبی برخوردار است ؟ بنابراین این ارتباط دارای حساسیت دو جانبه است زیرا از طرفی مادر ممکن است به اعتبار ارزش خود به عنوان یک فرد از طریق تاءبید و بدیرش کودکش از جانب معلم پی ببرد . که بهر جهت آماده قبول نقطه نظرات مری می است . بد عبارت بهتر ، چنانچه معلم کودک را پذیرفته و مورد تاءبید قرار دهد صادر نیز احساس قبول ، پذیرش و ارزش در خود می کند . اما در صورتیکه معلم کودکش را سرزنش

سادد کردن حبس رویدی ، سیاسی مطلوب و بدیری اندیشیده است ، ریزا اضطراب و ناراضی ناسی از ترک محیط خانه و صادر در بسیاری از کودکان بدین طریق کاهش خواهد نانت . در چنین صورتی کودک احساس می کند که رابطهای بسیار قوی بین خانه و مدرسه بوجود است و این بیوند محکم می تواند اضطراب ناسی از نبود مادر و دوری از خانه را کاهش دهد .

این موضوع از حائلی دیگر نیز مطلوب و بدیده است زیرا ، معلم با برقراری چنین ارتباطی هم می تواند کنکهای مؤثری به مادر در حین مشکلات روزی کودک و مسایل او برسد . مانند و هم این فرصت را غنیمت سرده و از مادر درباره کودک و چگونگی برقراری این بربر او با محیط مدرسه اطلاعات زیادتری آس کس نماید .

مسئله‌ای که سبب نداخل و مزاحمت در برقراری یک ارتباط مطلوب و صحیح بین خانه و مدرسه می شود .

تسریع بر سر ای بیم یک ارتباط باز بین مادر و مدرس بسیاری از آس از اسکونه ارتباطها خستود سبب و سبب بدسارن ناسی برقرار کند . نعل کوباکوبی سبب اسکونه ناراضی ها می گردد . یک نغم سسک است از انتقادات مادر برحد سبب اسکونه مادر بگوید : " چرا حسرت دوازده آس را ریکی کرده؟ " ممکن است سبب نداخل از بی نوحیتی معلم در اسسر برانند نعلی گردد و او را برنخاند از طرفی سبب یک معلم سبب است ، مادر را بخاطر نازدهای ناراضیها و کمبودهای کودک ، مورد

کارکنان در مشاغل کوناگون بچند تر از آنند که تحت ناء شیر اینگونه اظهارنظرهای والدین و مراجعین خود فرار گیرند .

علاوه بر مسئله حساسیت والدین نسبت به انتقادات معلم و تمایل و خواسته های آنان برای حمایت و پشتیبانی از کودکانشان ، یک مادر ممکن است احساس نماید که معلم در واقع نقش جایگزین او را به عهده گرفته و بجای او بر

نماید ، مادر ممکن است احساس خطر نموده بوحشت بیفند و حتی عصبانی گردد . زیرا در جنبی صورتی در واقع مادر خود را ناء بیدننده تلقی می نماید .

اما از طرف دیگر ، یک مادر ممکن است از اینکه بدون رودربایستی با معلم صحبت کرده و ناراضیاتی ها و کمبودهای خود را از مدرسه و مهد کودک ، و روش معلم اظهار نماید ، وحشت



داشته باشد . زیرا چنین می پندارد که این نوع صحبتها و بیان ناراضیتهای بطور آزادانه ممکن است معلم را عصبانی کرده و بذر دشمنی رابین آنها بگارد . او تکران احتمال تلافی و انتقام بر کودک در غیبت خود می باشد . این امر با وضعیت روحی مادری قابل قیاس است که از شکایت به کارکنان بیمارستان وحشت دارد و می نرسد مبدا آنها تلافی کرده و تبعیضهایی را در خصوص پذیرش کودک ببیمارستان اعمال نمایند . البته ، ناکفته نماند که بسیاری از

احساسات کودکش اثر می گذارد و یا به عبارتی بهتر جای او را گرفته است . حدایی از کودک سبب پدید آمدن احساسات مبهم و مخلوطی در مادر می گردد . از یک طرف ، او عمیفا " خواستار استقلال ، از شیر گرفتن کودک ، و ترک وابستگی او از خود می باشد ؛ مثلا " ممکن است از تعویض کپنه و لباسها و با کره زدن کفش او خسته شده و احساس نماید که دیگر نمی تواند همانند گذشته با وجود اوبه بسیاری از کارهایش برسد و یا ببنهایی بدخزید

از اهمیتی والا برخوردارند و مربیان و معلمین که درس‌نوشت و زندگی مدرسه‌ای او سهمی مؤثر دارند، می‌باشیم؛ بایستی به نکات و مسایل مختلفی که در این خصوص وجود دارد توجه کافی مبذول داریم.

و غیره برود. ولی از طرف دیگر، چیزی در درونش نه‌او نهیب می‌رند و او را رنج می‌دهد که همانا ناراحتی او از جانشینی معلم است. احساس اینکه کسی دیگر در جای او قرار گرفته و محبت‌فرزندش را نسبت بخود تقسیم نموده، او را می‌رنجانند.

مضاف بر این ابهام و کجی در تفکرات یک مادر، او همچنین ممکن است از اینکه رفاه خود را در اولویت قرار داده احساس گناه نماید و با احساس خود دست و پنجه نرم نماید، زیرا چنین نضوری را دارد که یک مادر واقعی از اینکه با سپردن کودکش به مهدکودک بخواهد به کارهای شخصی خود برسد و با بکنهایی بخرید برود احساس خوشحالی نمی‌کند. بنابراین نگران آگاهی معلم از نوع تفکر خود می‌باشد. به‌رحال برای هر دو معلم یا مربی و مادر همیشه نجارب گذشته و ارتباطات قلبی آنها با دیگر مادران، مربیان و معلمین و انتظاراتی که از یکدیگر داشته و سرانجام روشی که در برآوردن انتظارات یکدیگر بکار می‌گرفته‌اند، بجز باقی می‌ماند.

علاوه بر این خاطرات خوشایند، خاطرات عاطفی مدیر مدرسه، چون ایستادن‌های بعداز تعطیل مدرسه در محل، روبروشدن با والدین مقتدر و خشک و غیر منطقی که گاه سعی در تیره کردن روابط والدین و معلمین در اولیسن برخوردارهایشان را دارند نیز خالی از ناهیه نیست. با وجود چنین مسایلی که در فوق گذشت، تعجبی نیست که برای ایجاد رابطه بین خانواده، مربیان و معلمین، بایستی کوشش‌ها و درک عمیقی از دوطرف صورت گیرد. زیرا اگر خواستار برقراری یک رابطه سالم و مناسب بین والدین که در زندگی کودک

پیشهادهای سازنده برای برقراری یک رابطه مناسب و سالم بین مادر و معلم (مربی)

مطلبنا "بایستی راهنمایی برای برقراری و ایجاد پیوندی مناسب بین مادر و معلم (مربی) وجود داشته باشد که به عوض جبهه‌گیری و ایجاد یک رابطه دفاعی به رابطه حل مسئله منجر گردد. ولی این سؤال در اینجا مطرح می‌گردد که، نقش یک معلم در برقراری اینگونه رابطه چیست و چگونه بایستی عمل نماید؟

احتمالاً، اساسی‌ترین عنصر برای خوشایند تر کردن رضایتبخش تر نمودن رابطه بین مادر و معلم (مربی) همانا محبت قلبی و صادقانه معلم است. دانستن اینکه، معلم قلباً و صادقانه رفاه و آسایش کودک را مسدود نظر داشته و خالصانه به او و پیشرفت‌هایش توجه داشته و علاقمند می‌باشد، به مادر اطمینان و آرامش می‌دهد.

تجربه نشان می‌دهد که وقتی یک مادر این واقعیت را دریابد و ببیند که این امر لزوماً وجود دارد و چیزی نیست که به دلخواه معلم صورت گرفته و تحت‌تأثیر عواطف لحظه‌ای او قرار می‌گیرد، به احساسات واقعی معلم و نیت درونی او پی می‌برد.

در چنین صورتی نهایتاً "قادر خواهد شد که لغزشها و خطاهای غیر عمد معلم را عفو نماید و این رابطه به علت بوجود آمدن حس اعتماد و

شان دهد و نبر سعی می کند تا تک برساند
فعالیت، درس و بازی حالب، مسووع و مساسب
باسبازهای تک تک کودکان ندارد کنند.

یکی دیگر از راههای نشان دادن علاقه مربی
ابراز علاقه و توجه خالصانه به کودک و سببند
والدیش می باشد. برای سال، اینکه معلّم
همیشه، میران علاقه و رغبت کودک به موضوع
و یا محتوای آموزشی در طی روز را به اطلاع
مادر برساند، شیوه‌ای بسیار مطلوب و مناسب
خواهد بود. بیانی دستانده و صمیمانه چون
موارد زیرین از جانب معلم یامربی:

"مریم واقعا" از کردش علیی امروز خوشش
آمد، او بیشتر وقتش را به ساسای کل و گیاه و
حیوانات گذراند و با علاقه به آنها نگاه
می کرد"، یا اینکه "من فکر می کنم محمد به
کودک تازه وارد کلاس (محمود) علاقه مند است
آنها امروز، بیشتر وقتشان را با هم گذرانیده

اطمینان دوجانبه محکم شده و شکل می گیرد.
مراقبت و علاقه خالصانه می تواند به
صورتیهای مختلفی ابراز گردد، مراقبت صادقانه
یکی از این راههاست. چنین مراقب و مربی با
دقت تمام مواظب است که همه وسایل مورد نیاز
کودک را در سید یا کیف مخصوص او بگذارد
تا بخانه برده شوند، از تعلقات و وسایلی
شخصی کودک مراقبت بعمل می آورد، مواظب
است که صورت و بینی او تمیز باشد و به موقع
او را تمیز می کند. اگر چه ممکنست در پایان روز
به همان تمیزی و نظافت هنگام ورودش به مرکز
نباشد، اما بهر حال او سعی می کند تا صورت
و لباسهای کودکان را قبل از ورود مادر برای
تحویلی کودک تمیز کرده و مرتب نماید. یک
مربی همچنین می تواند علاقه خالصانه و مراقبت
صادقانه خود را به صورت فسرهم آوردن
مراقبتهای ایمنی و بهداشتی در محل برای کودک



و با اسباب بازیها و وسایل چوبی بازی کردند " والدین را مطمئن می سازد که کودکشان مورد توجه معلم بوده و معلم نسبت به تواناییها و علاقمندیهای او آگاهی دارد و او را به عنوان یک فرد و نه صرفاً " بصورت عضوی از گروه می شناسد .

باز هم یکی دیگر از این نوع مراقبت و توجه از جانب معلم نسبت به کودک اینستکه جانبداری خود را از کودک به مادر نشان دهد . البته بدین معنا نیست که جانب کودک را در مقابل جانب داری از مادر حفظ نماید . زیرا ، گاهگاهی معلمین چنان به کودک و با کودکانی خاص علاقمند شده و جانب او را می گیرند که ممکن است افکاری این چنین به آنها دست دهد که " ایکاش می توانستم برای مدتی این کودک را پیش خود نگه دارم ، حیف این کودک ، او نیاز به محیطی آرام و پر محبت دارد " . یک کودک نیز گاه ، چنان تحت تأثیر محبت و علاقه و یا جاذبه معلمی خاص قرار گرفته که با محبت به معلمش می گوید : " ایکاش شما مادر من بودید " . در چنین موقعیتهایی ، برای اجتناب از شکل گیری اینگونه ابهامات در عواطف و ایجاد موقعیت دشوار برای کودک بسیار حائز اهمیت است که معلم نقش واقعی خود را به کودک بشناساند . او در چنین موقعیتی می تواند هوشیارانه چنین پاسخ دهد که " من هم بنوعی علاقمندم و از داشتن کودک و شاکردی چون تو لذت می برم ، ولی البته ، نو مادری بسیار خوب داری . من معلم هستم و مادر واقعی تو اوست . من از تو در مدرسه مراقبت می کنم و او در خانه مراقب تو است . " این نوع پاسخ سبب اتحاد و پیوند بیشتر و دوستانه تر بین معلم (مربی) و مادرمی گردد .

اما ، اگر چنانچه معلم والدین کودک را بخاطر مشکلات و دشواریهای خاص کودک مورد سرزنش قرار دهد ، جانبداری از مادر نیز بسیار دشوار خواهد بود . این نوع عدم پذیرش و قیول حتی اگر به کلام نیز در نیاید ، باز هم بوسیله مادر احساس می گردد . ولی بهر حال وقتی معلم مادری را مورد انتقاد قرار می دهد ، همیشه باید بخاطر داشته باشد که مثلاً : " اگر من بجای آن مادر بودم و دارای آن نوع دشواریها و مسایل و سوابق بودم ، آیا می توانستم عملکردی بهتر از این مادر برای کودکم داشته باشم ؟ " . نکته دیگری که باید بخاطر داشت اینستکه همانگونه که مادران دارای بیش از یک فرزند نیز می دانند ، کودکان دارای خصوصیات خلفی و رفتاری متفاوتی هستند ، بهمین جهت علی رغم رفتار و کردار والدینشان و محیط خانوادگی بسیاری از کودکان عملکردی متفاوت از عملکرد والدینشان خواهند داشت . پس اگر والدین و بخصوص مادر را صرفاً مسئول کمبودها و نقایص و دشواریهای کودک بدانیم و او را مورد سرزنش و مسئول خطاهای کودک قرار دهیم ، امری نادرست و نامعقول است .

بنابراین ، می بینیم که یک معلم می تواند با برخورد و رفتاری آگاهانه علاقمندی و توجه خالصانه خود را نسبت به کودک ، به والدینش نشان دهد ، یعنی هر دو جانب کودک و مادر را حفظ نماید و به مادر این اطمینان را بدهد که اشتباهات کودک را صرفاً " نتیجه اشتباهات مادر نمی داند . اما بهر حال باید دانست که مادران همیشه بهترین هارا برای فرزند خود می خواهند ، و بهمین خاطر ایجاد یک رابطه



برقراری یک رابطه دوسانه خواهد دانست و بدین ترتیب با سهولت بیشتری می‌تواند رابطه عاطفی و صمیمانه و ایمنی را با آنها برقرار نماید. در واقع عدم تنظیم زمانی مناسب برای رابطه با معلم سبب ایجاد مایل جنسی خواهد کردید. از جمله اینکه صحبت کردن درپاشنه در مرکز و هنگام عجله معلم با مادر جنس احساسی را پدید می‌آورد که اگر چنانچه

مکانه بحاهای حساس کشیده‌شود، احتمالاً "ظرفین بزودی محل را ترک نموده و نتیجه مساسی برخواهد آمد. علاوه براین، اکسیر زمانی رسمی و خاص برای صحبت با مادران در برنامه بین بینی شود، هر دو طرف (مربی و مادر) یا فراغ بال و ایمنی بیشتری می‌توانند با یکدیگر به صحبت نشینند و حالات عاطفی وضعیت های ناکوار و یا ناخوشایند محتمل را کنترل نمایند و در نتیجه رفتارهای ناکواری که ممکنست ناشی از بی حوصلگی و کمبود وقت پدید آیند، کاهش می‌یابند.

این نوع روابط مکرر و همیشگی بمراتب تمرینش نر از صرفاً "پاسخ‌های بسیار رسمی و ترتیب کنفرانسهای اضطراب آوری است که ممکنست یک یا دو بار در ماه صورت گیرند. ترتیب کنفرانسها و موقعیت های رسمی تر، تنها بعد از برقراری یک چنین رابطه راحت و روزمره‌ای مبر است و در اینصورت است که این فرصتها می‌توانند ثمر بخش تر گردند.

(۱) از آنجاکه کلمه "مربی در مهد کودک و معلم در دوران آمادگی مصطلح گردیده است. در اینجا از هر دو مفهوم استفاده گردیده است.

دکتر فرخنده مفیدی

علاقتمندانه و توجه مشترک بین مادر و مربی بسیار ارزشمند است. زیرا وقتی مادر وجود چنین پیوند و اشتراکی را حس نماید برای کار با مربی و بخاطر کودک آزادی بیشتری خواهد داشت.

کار با مادران به شیوه‌ای مثبت، مستلزم اینست که معلم (مربی) از دوجهت قابل دسترسی باشد.

اول اینکه، چون مربی مسئول مراقبت و نگهداری و تعلیم کودک در مدرسه (مرکز) است بایستی در دسترس بوده و خود را مسئول و پاسخگو بداند. دوم اینکه، او بایستی از نظر فیزیکی نیز قابل دسترسی باشد. زیرا بهنگام نیاز مادر بایستی در مدرسه حضور داشته باشد. در بعضی از مراکز و مدارس، این قابلیت دسترسی و موجودیت فیزیکی مربی با معلم بسیار مسئله ساز و دشوار است. در این مراکز مربی ممکنست بهنگام ورود کودک و مادر چنان مشغول تنظیم اطاق و وسایل و کار با بچه‌های دیگر باشد که قادر به دیدن و صحبت با مادران نباشد و یاد پایان روز چنان خسته و شتابزده باشد که وقت و انرژی لازم برای صحبت با مادران را نداشته باشد.

البته، میسر است که مربی برنامه کار را چنان تنظیم نماید که مثلاً "۱۵ دقیقه در پایان روز و یا بهنگام تحویل کودکان به صحبت با مادران اختصاص یابد که در اینصورت فرصت بسیار زیادی را برای ملاقات با والدین و



داشته باشد یعنی نه خود را جان بگیرد کسه طفل حرات پریش وخواستن توضیح نکند و نه جندان ملایمت نشان دهد که طفل جسور شود و به بیانات و دستورهای او توجه نکند یا گفته های او را با منزلت شمارد - طفل را بناسد و طبع و فریحه او را بسنجد و هوش او را بیازماید تا بتواند بموقع خود هنر و پیشه های که مناسب با استعداد و دقاوت اوست برایش انتخاب کند - دوق و شوق طفل را در انتخاب هنر و پیشه رعایت کند - او را با استفاده از هنر و پیشه ای که آموخته است وادار کند تا عملاً به کسب معاش خوی گیرد - برحسب اقتضا یکی از انواع تعلیم را یعنی تعلیم ذهنی و صاعی و تلقینی و ناءدیی و تقلیدی و تنبیهی درشغل خود بکار برد .

این سینا در کتاب سفا در فن پیجم از منطق که در برهان کفکو می کند انواع ششگانه تعلیم را شرح می دهد . تعلیم ذهنی آنست که آموزگار یک موضوع کلی را برای شاگرد بیان کند و از آن کلی امر مجهول را معلوم سازد . تعلیم صاعی عبارتست از آموختن طرز استعمال افزار و آلاتی که برای هر صنعتی بایسته است . تعلیم تلقینی را برای یاد گرفتن از راه تلقین بکار می برند . مراد از تعلیم ناءدیی آموختن عادات نیکو از راه بید و اندرز است . غرض از تعلیم تقلیدی آنست که شاگرد گفته های آموزگار را بیدرنگ و بدون دلیل ببذیرد و البته معلم باید طوری رفتار کند که مورد وثوق و اعتماد باشد تا این نوع تعلیم ممکن گردد . بالاخره تعلیم تنبیهی آگاه ساختن شاگرد است از رموز و علل و آثار و حوادثی که روزانه مشاهده می کند .

زمانی که کودک شش ساله شد پدرش باندیده مکتب فرستد و تا چهارده سالگی تحصیل بکارد . آموزگار او باید بادین و درستکار و خردمند و منصف و پاکیزه و موثر باشد - راه معاشرت بداند - بروش تعلیم و تربیت اطفال و تهذیب اخلاق آنها آشنا باشد . در مکتب کودک را نباید تنها گذاشت که ملول و دلشک کرده بلکه باید با اطفال خانواده های محبت محشور نمود تا در تحصیل بین آنان رقابت ایجاد شود و از یکدیگر بیفز آداب نیکو فراگیرد .

برنامه تحصیل طفل در مکتب باید شامل مواد ذیل باشد : قرآن - شریعات - زبان اسغاری که منضم آداب سریف و مکارم اخلاق باشد - ورزش - هنر و پیشه و هر چه برای آموختن هنر و پیشه ضرورت دارد . ناسن چهارده نباید تمام اوقات طفل صرف تحصیل شود بلکه باید قسمتی نیز صرف ورزش گردد . گاهی هم باید او را آزاد گذاشت تا بکاری که دلشکستی دارد بپردازد . بعقیده این سینا ورزشهای کودک ممکن است عبارت باشد از راه پیمائی - پرش نوپ بازی - طناب بازی - دو - کشتی اسب سواری - شمشیر بازی ...

همیکه فرزند هنری آموخت و توانست از آن راه گذران کند پدر باید او را مناهل و خانه اش را جداسازد .

در روش آموزش و پرورش این سینا معتقد است که معلم باید کودک را از کارهای زشت دور و با امران خوب محشور سازد - گاهی او را تشویق و زمانی تهدید نماید و چنانچه نرساندن نتیجه ندهد تنبیه کند - بهنگام آموختن رویه معتدل

